



دکتر فریدون سیامکنزاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌کنیم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌های برایمان باشد. یا خاطره‌های را از زمان‌های دور برایمان زنده کنند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌کنیم، بستگی به نوع کاری که داریم. همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مساله یا احیاناً خاطره‌های باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها، و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن، و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد.

بنابراین، تصمیم گرفتیم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنیم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

لکوپلاست به مراجعه کنندگان دادم و مساله حل شد.

این را توضیح دهم که چسب‌های پارچه‌ای که به لکوپلاست معروف است، چون حاوی زینک اوکساید است، روی بسته‌اش نوشته: حاوی زینک اوکساید. برای اولین بار بود که می‌شنیدم کسی این چسب را به نام «چسب زینک» می‌شناسد.

یادداشت ۳

هنوز در صف نماز جماعت ظهر و عصر مسجد نزدیک داروخانه جا به جا نشده بودم که یکی از نمازگزاران سؤال دارویی‌اش را مطرح کرد. یکی دیگر از دوستان نمازگزار خطاب به آن دیگری گفت: این سؤال‌ها باعث می‌شود که آقای دکتر به نماز نیاید! این را هم یادآوری می‌کنم که آن روز یکی از روزهای ماه مبارک رمضان بود.

خلاصه بحث داغ شده بود و اذان مسجد هم داشت تمام می‌شد و در آستانه شروع نماز جماعت بودیم که یکی دیگر از دوستان هم مسجدی خطاب به همه گفت:

چون ذکات علم، آموزش آن به دیگران است. سؤال ما از آقای دکتر باعث می‌شود که ایشان راجع به مسایل دارویی توضیح دهند و این مساله موجب ثواب مضاعفی برای آقای دکتر در این ماه مبارک رمضان می‌گردد. ضمناً ما هم واسطه این ثواب برای ایشان هستیم.

یادداشت ۴

قبل از انقلاب در بازار دارویی ایران، دارویی

یادداشت ۱

نسخه را گرفته بود و تنها پماد مانده بود که روی کپی نسخه، اسمش را داروخانه قبلی به انگلیسی نوشته بود: پماد MSM

ظاهراً داروخانه قبلی متوجه نشده بود که پماد مربوطه چیست. تکنیسین داروخانه اول متوجه نشده بود که مساله چیست. تکنیسین دوم داروخانه بعد از کمی مکث متوجه شده بود که مقصود پزشک «پماد رهامین» است. مریض هم متوجه شک اولیه ما شد و دوباره پرسید که حتماً درست متوجه شده ایم که چی به چی هست. وقتی متوجه شدیم که پزشکی برای درد مفاصل بیمار، پماد را تجویز کرده است به بیمار اطمینان دادیم که درست است.

لازم به یادآوری است که پماد رهامین در واقع پماد حاوی گلوکوزامین و MSM است که برای دردهای مفاصل تولید شده و در بازار دارویی وجود دارد.

یادداشت ۲

یکی از پنج شنبه‌های ماه مبارک رمضان بود لباس‌ها را پوشیده بودیم و چراغ‌ها را هم خاموش کرده بودیم که دو جوان وارد داروخانه شدند و با عجله تقاضای «چسب زینک» کردند. تکنیسین داروخانه اول متوجه نشد که چی به چی هست و بلافاصله گفت: نداریم. مراجعان گفتند که ده داروخانه را گشته ایم و نداشته اند.

من وارد بحث شدم و پرسیدم مقصودتان از چسب زینک، همان چسب پارچه‌ای برای پانسمان زخم است، که گفتند همین است. من یک بسته چسب

بود به نام «آناناس» که به صورت قرص‌هایی در بسته بندی سی عددی بود. نسخه‌ای را که بیمار به داروخانه ارایه داد مربوط به همکار دندانپزشک بود که همراه با آنتی‌بیوتیک، قرص آناناس هم تجویز کرده بود. بیمار جراحی لثه کرده بود و برای جلوگیری از عفونی شدن لثه، دارو را برایش تجویز کرده بودند.

تکنیسین داروخانه آشنایی نداشت و من وارد بحث شدم. به بیمار گفتم که قرص آناناس دیگر در بازار دارویی وجود ندارد. اثر این دارو هم برای این است که آنتی‌بیوتیک جذب بیشتری داشته باشد. آنتی‌بیوتیک را به بیمار دادم و به او توصیه کردم از میوه آناناس همراه با مصرف آنتی‌بیوتیک استفاده کند که باعث می‌شود جذب آن بیشتر شده و تأثیر بیشتری داشته باشد.

یادداشت ۵

مقابل پیش خوان داروخانه که قرار گرفت، اول تقاضای کپسول ژلوفن کرد. از ایشان سؤال کردم که برای چی می‌خواهد؟ خطاب به من گفتم که چون دندان عظم را کشیده‌ام، برای جلوگیری از درد آن این دارو را می‌خواهم. بلافاصله هم سؤال کرد که آیا ژلوفن برای تسکین درد خوب است؟ مقداری راجع به ضدالتهاب بودن دارو برایش

توضیح دادم و این که داروهای این رده به دلیل رفع التهاب ناشی از کشیدن دندان، درد را هم تسکین می‌دهد.

دست آخر هم به شوخی گفتم که اصولاً کشیدن دندان عقل و فقدان آن به خودی خود، نه تنها درد دندان را تسکین می‌دهد، بلکه خیال آدم را از خیلی چیزها راحت می‌کند و خیلی دردهای دیگر را هم تسکین می‌دهد!

یادداشت ۶

در صف نماز جماعت ظهر و عصر مسجد که قرار گرفتم، یکی از هم مسجدی‌ها که رابطه دوستانه‌ای هم با من دارد، کاغذی را جلویم گرفت و به من گفت که لطفاً تلفن خود را برای من بنویسید. من تلفن همراهم را برایش یادداشت کردم و ایشان هم به من گفتم که سؤال دارویی دارم و بعد از خاتمه نماز که به داروخانه رفتید، به شما تلفن می‌کنم و سؤالم را مطرح می‌نمایم.

هنوز در داروخانه مستقر نشده بودم که تلفن همراهم زنگ زد و متوجه شدم همان دوست هم مسجدی است. شرح شیمی درمانی‌اش را داد و مساله بیوست حاصل از آن را هم برایم شرح داد و منتظر سؤال دارویی ایشان بودم که از من سراغ یک مارک خوب «فتق بند» را گرفت!